

## استقامت و پایداری در سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و حضرت زهرا (سلام الله علیها)

مصباح الحسن هاشمی<sup>۱</sup>

### چکیده:

استقامت یعنی استواری و مقاومت در راه هدف. هر کسی که استقامت ندارد از هدف دور می شود. در تاریخ اسلام اگر ما نمونه کامل استقامت را ببینیم آن شخصیت حضرت محمد صلی الله علیه و آله وسلم است که در راه دین اسلام استقامت کردند که امروز اسلام به ما رسیده است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم مظهر کامل و اتم استقامت در مقابل مشکلات دین هستند و دختر ارجمند شان روح ایشان و قلب ایشان است که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم می فرماید: ("فاطمه بضعه منی وهی قلبی وروحی" که فاطمه قلب و روح من است و همین طور بعد از پیامبر ص اسوه کامل رسول ص دختر رسول صلی الله علیه و آله وسلم حضرت زهرا علیها السلام هستند که در زندگی رسول صلی الله علیه و آله وسلم استقامت کردند و بعد از رسول ص هم استقامت کردند که که ولایت امام علی علیه السلام به ما رسیده است این ولایت مرهون استقامت حضرت سیده طاهره علیه السلام است.

**کلید واژه ها:** استقامت، پایداری، حضرت زهرا س، سیره، سبک زندگی.

استقامت و پایداری در سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت زهرا (سلام الله علیها)



## مقدمه:

استقامت صفتی است که انسان را به هدف بلند می‌رساند. هدف زندگی انبیا و رسولان و صالحان تبلیغ و رسالت و دعوت بود. بدیهی است که رسالت و تبلیغ، با استقامت و پایداری ارتباط نزدیکی دارد. در قرآن به این مسئله، بسیار اهمیت داده شده و همواره به امر صبر، حلم، ثبات قدم و استقامت تأکید شده است. اسوه کامل استقامت وجود نازنین پیامبر گرامی اسلام (ص) است که در کودکی پدر را از دست داده و در زندگی با مشکلات فراوان روبه‌رو بودند، تلاش وافر داشتند که همواره بر صراط مستقیم استوار باشند. رفتارشان چنان سرآمد همگان بود که از شدت مهربانی و مهرورزی، زبانزد همه و به خاطر صداقت و امانتداری به محمد امین معروف شدند. آن حضرت مشکلات زندگی خود را یکی پس از دیگری با صبر و بردباری، تحمل و استقامت و توکل بر خداوند بزرگ پشت سر گذاشتند، تا اینکه در سن چهل سالگی، در مکه و در شرایطی که جهل و نادانی در سراسر عربستان بیداد می‌کرد، به رسالت مبعوث شدند. در روزهای آغازین رسالت، با علی (ع) و حضرت خدیجه برای عبادت به خارج شهر مکه می‌رفتند و بعد از مدتی در خود کعبه نماز می‌گزارند. سه سال شرایط به همین منوال گذشت تا آن حضرت با دعوت از خویشاوندان در منزل خود، آنان را به اسلام فراخواندند و تبلیغات دین اسلام را با کمک و همدلی علی (ع) و جمعی از خویشاوندان که پیشتر مسلمان شده بودند، آشکار فرمودند. کم‌کم با بالا گرفتن تعالیم پیامبر (ص)، بر شدت مخالفت مخالفان نیز افزوده شد. از این رو درگامهای نخست سعی کردند با ریش سفیدی و وساطت این بحران را حل کنند. آنان به نزد ابوطالب رفتند که بزرگ قوم بود، ولی ابوطالب از پیامبر (ص) دفاع کرد. وقتی از این راه نومید شدند، تصمیم به استهزا و تمسخر پیامبر اسلام گرفتند. ولی این ترفند آنان نیز با سعه صدر و بزرگواری حضرت (ص) که نتیجه‌ای نداشت.

اگرچه سیرت رسول (ص) اسوه برای تمام مردم است فرقی نیست مرد باشد یا زن ولی اگر شخصیتی باشد که اسوه کامل رسول (ص) باشد برای زنان بیشتر موثر است و آن شخصیت وجود مبارک حضرت زهرا سلام الله علیها است که در مشکلات استقامت کردند. حضرت زهرا سلام الله علیها به‌عنوان الگوی صبر و استقامت برای بانوان مؤمن بودند. ایشان در مراحل مختلف زندگی سختی‌های بسیاری را تحمل کردند اما هیچ‌گاه نه فقط از خداوند گلایه نکردند بلکه به‌صورت مستمر شکرگزار درگاه حق بودند. رسول خدا از هنگامی که به رسالت مبعوث شدند تا زمانیکه به مدینه هجرت کردند، در مکه مورد اذیت و آزارهای فراوانی قرار گرفتند. بزرگان قریش و حتی عموهای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علاوه بر تشویق و تحریک مردم و حتی کودکان به اذیت و آزار پیامبر، خود نیز به‌طور مستقیم از هیچ تلاشی در این کار دریغ نداشتند. گاهی خاک بر سر پیامبر می‌ریختند و زمانی سنگ بارانش می‌کردند و یا در کنار کعبه و هنگام نماز، شکنبه حیوانات بر سر و پشت حضرت می‌گذاشتند. در این دوران مردانی مانند حمزه سیدالشهداء به دفاع از پیامبر بر می‌خاستند؛ اما تاریخ نام بانویی

بزرگوار که در آن وقت بین ۵ تا ۸ سال بیشتر نداشته است را نیز در کنار مدافعان پیامبر ضبط و ثبت کرده است، او علاوه بر اینکه در منزل و خصوصا بعد از رحلت مادر بزرگوارش خدیجه پرستاری پدر را نیز بر عهده داشت، بیرون از منزل نیز همیشه مراقب پدر بود.

حضرت زهرا علیها السلام مقام و موقعیت و جایگاه امام علی علیه السلام را خوب شناخته بود و از تواناییهای ذاتی و خدادادی و شایستگیهای ایشان نیز مطلع بود. دیدگاههای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نسبت به امام به صورت مرتب شنیده بود و بدان ایمان و اعتقادی راسخ داشت و صلاح و مصلحت جامعه نوپای اسلام را در رهبری و امامت امام علی علیه السلام می دانست و جایگزین دیگری را با وجود ایشان برای این مقام و منصب جایز نمی دید. از اینرو برای اثبات و تحقق آن از هیچ تلاشی دریغ نکرد و تا آخرین لحظه دست از حمایت و دفاع از امام علیه السلام و مقام امامت بر نداشت. و این ولایت حضرت علی علیه السلام که به ما رسیده است بخاطر استقامت حضرت سیده سلام الله علیها است.

بنابراین مسئله مهم این است که اولاً بدانیم استقامت و پایداری چیست و چه شرایط و نتایجی دارد و نیز هر یک از واژه های صبر، حلم، ثبات قدم و استقامت، چه ارتباطی با مسئله پایداری دارند. و بعداً وارد بحث استقامت رسول صلی الله علیه و آله وسلم و حضرت زهرا سلام الله علیها می شویم.

### پیشینه

در این موضوع، مقالاتی چند نوشته شده است: «استقامت و پایداری»، نوشته ی «ایمان یزدانی نیا» که در آن تنها به عوامل، آثار و انواع استقامت به شکلی مختصر پرداخته شده است؛ «استقامت: پایداری در دین»، نوشته «سیدعباس رضوی» و «غلامرضا قدمی» که در آن، ضمن بیان مفهوم استقامت، موارد، آثار و موانع آن به طور مختصر مورد بحث قرار گرفته است و «ارزش صبر و استقامت از دیدگاه قرآن» که در آن بیشتر به ارزش صبر و ویژگی های آن در قرآن پرداخته شده است. همچنین «سیدرضا صدر» کتابی با عنوان «استقامت» نوشته است که در بخش کوچکی از آن، به صورت کلی به آیات استقامت اشاره شده است؛ البته برخی به صورت مصداقی به بررسی استقامت در قرآن پرداخته اند؛ مانند مقاله ی «نگرشی بر استقامت پیامبر در قرآن»، نوشته «ابوطالب عبداللّهی» که در آن، تنها به بررسی صبر پیامبر (ص) در عرصه های مختلف نبوت ایشان پرداخته شده است.

از آنجا که در همه مقالات فوق، کاستی هایی به چشم می خورد و از آنجا که این موضوع، نیازمند بررسی های بیشتر و مفصل تری است که با استقامت حضرت رسول (ص) استقامت حضرت زهرا (س) هم بیان شود تا برای زنان بیشتر موثر باشد.

**استقامت:**

در لغت:

بین واژه از ریشه «ق-و-م» است و برای آن معانی مختلفی مانند اعتدال، ثبات و مداومت و استمرار و پایداری، ایستادن، درست شدن و قیمت نهادن را بازگو کرده‌اند و معنای اعتدال شهرت بیشتری دارد. برخی گفته‌اند: استقامت همان اقامه است؛ ولی اضافه شدن دو حرف «س» و «ت» معنای آن را تأکید می‌کند. در معنایی جامع می‌توان گفت نظر به این که اصل واحد در این ماده، مفهومی است در برابر قعود و معنای اصلی آن به پاداشتن و فعلیت عمل است، استقامت با توجه به معنای طلبی باب استفعال به معنای طلب قیام است و استمرار و استدامت و مانند آن از لوازم معنای اصلی به‌شمار می‌آید. (فیروزآبادی، محمد بن یعقوب ۱۴۱۵م. أبو هلال عسکری ۱۴۱۲هـ و همکاران)

در اصطلاح:

استقامت در مفهوم قرآنی آن اصطلاحی برای پایداری در دین و مسیر حق در برابر کژیهاست. اهل معرفت تعبیری چون «اهل استقامت» و «منزل استقامت» را که مرحله‌ای از مراحل سلوک الی الله است به‌کار می‌برند. در نظر عارفان، استقامت برزخی است بین پرتگاه‌های مخوف عالم تفرق و سدره‌المنتهای عالم جمع و روحی است که احوال سالکان بدان زنده و باقی است. (ابن عربی، عبدالرزاق قاشی و عبدالرزاق بن جلال الدین ۱۳۸۵ و همکاران)

**معنای استقامت در اصطلاح مفسران:**

همان گونه که واژه پژوهان برای استقامت چندین معنا برشمرده‌اند مفسران نیز در معنا و تفسیر آن معنای اعتدال و دوری از افراط و تفریط، ثبات و دوام و طلب قیام را بازگو کرده‌اند. (محمود بن عبدالله آلوسی، فضل بن حسن طبرسی ۱۴۸۰)

**جامع بودن مفهوم استقامت:**

بر اساس این تفسیر، استقامت مفهومی جامع‌تر از آنچه دیگر مفسران در معنای آن گفته‌اند دارد، زیرا چیزی را برپا داشتن به‌گونه‌ای که همه آثار آن ظاهر گردد مستلزم اعتدال، صبر و ثبات در آن است، از این رو هر یک از این تعریف‌ها را می‌توان تعریف به‌لازم استقامت و آنها را به لحاظ مفهومی، مستقل از استقامت دانست زیرا صبر

در لغت به معنای حبس نفس و بردباری در ناملایمات است و جنبه سلبی در آن لحاظ شده است، برخلاف استقامت که ویژگی اثباتی و ایجابی دارد و همچنین الزاماً در ناملایمات بکار گرفته نمی‌شود.

### ارتباط صبر با استقامت:

شاید بتوان گفت با توجه به موارد کاربرد استقامت و صبر در قرآن، استقامت به معنای پافشاری و پایداری در اصل دین و ارزش‌های دینی و عدم انحراف از راه حق به بیراهه‌های کفر و شرک و نفاق است که بیشتر بعد فکری و عقیدتی در آن لحاظ شده است و صبر به معنای شکیبایی در برابر سختی‌های اطاعت و دشواری‌های مصائب و عدم تمکین در برابر طغیان شهوات است که بیشتر در مقام عمل متصور است، افزون بر این کاربرد استقامت و صبر در روایات به صورت قسیم یکدیگر و به صورت دو مفهوم جدا از هم بر استقلال مفهومی هر یک دلالت دارد. (طریحی، فخرالدین بن محمد، ۹۷۹-۱۰۸۵ق، پدیدآور. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، ۷۲۹ - ۸۱۷ق و همکاران)

### پیوستگی واژه استقامت با مفاهیم قرآنی:

ویژگی‌های معنایی واژه استقامت به همراه مفهوم قرآنی آن که از زمینه طرح استقامت در آیات شکل می‌گیرد، پیوستگی این مفهوم را با مجموعه‌ای گسترده از آیات و مفاهیم قرآن نشان می‌دهد، زیرا تحقق استقامت در هر زمینه‌ای، افزون بر همراهی با اعتدال و صبر و ثبات، پرهیز از هر گونه زیغ، ضلل، عوج، الحاد، فسق و فساد را می‌طلبد، از این رو مفسران «عدل» (سوره مائده/۱۰۶، ۵) و «حنف» (سوره انعام/۷۹، ۶) را به استقامت معنا کرده‌اند و برخی، صبر و ثبات را در آیات، مرادف استقامت دانسته‌اند و زیغ، فساد، فسق، عوج والحاد را به خروج از استقامت تعریف کرده‌اند. مفهوم قرآنی استقامت نیز بدان سبب که همه آیات (جز یک آیه) در یک نگاه کلی استقامت را در زمینه «توحید و باور به ربوبیت خداوند و سیر به سوی او بر اساس این باور»، مطرح کرده و می‌توان از آن به «استقامت در دین» تعبیر کرد، با مفاهیمی چون صراط مستقیم، هدایت، عبودیت، ایمان، عمل صالح، تقوا و هرآنچه لازمه دینداری است، پیوند دارد، زیرا استقامت در این مفهوم پس از پذیرش دین مطرح می‌شود: «الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا» (فصلت/۳۰، ۴۱؛ احقاف/۱۳، ۴۶)، «فَاسْتَقِيمْ كَمَا أَمَرْتُ» (هود/۱۱۲، ۱۱) و استقامت به کمال رساندن مؤلفه‌های لازم دینداری چون هدایت، ایمان، عبودیت، تقوا و عمل صالح است (طباطبائی، سیدمحمدحسین ۱۲۸۱. مرتضی زبیدی، محمدبن محمد، ق ۱۲۰۵ و همکاران)

## ابعاد استقامت رسول خدا ص:

### ۱. استقامت در حوزه اقتصادی

بعد از فراخوانهای متعدد پیامبر(ص) از اطرافیان برای دعوت آنان به دین اسلام و بالا رفتن روحیه و زمینه پذیرش اطرافیان و مردم برای پذیرش دین حق، مخالفان به فکر افتادند تا با وساطت بزرگان، رسول گرامی اسلام(ص) را از این دعوت منصرف کنند، ولی موفقیتی حاصل نشد. در گامهای بعدی، قریش تلاش کرد تا طرفداران حضرت را که اغلب از قبایل قدرتمند نبودند، تحت فشار قرار دهد که این حرکت قریش باعث به شهادت رسیدن عده‌ای از یاران رسول گرامی اسلام(ص) شد. علی‌رغم تمام این فشارها، همچنان پیامبر اعظم(ص) و یاران وفادارش از خود استقامت نشان داده و تن به ذلت نمی‌دادند. آن حضرت دستور داد عده‌ای از مسلمانان به سرپرستی جعفر بن ابی طالب به حبشه مهاجرت کنند. جعفر بن ابی طالب در جمعی علمی به مناظره با هیئت مسیحی حبشه پرداخت که بسیار موافقت‌آمیز بود. قریش بعد از اطلاع از این وضعیت، سعی در بازگرداندن آنان کرد که تلاش آنها با حمایت نجاشی بی‌نتیجه ماند. رفتن عده‌ای از مسلمانان به حبشه باعث کم شدن مسلمانان در مکه و فشار زیاد قریش به آن عده شد. در اینجا بود که قریش طرح محاصره اقتصادی را با هدف ضربه زدن نهایی به بنی‌هاشم به مرحله اجرا گذاشت. که این محاصره سه سال به طول انجامید بنی‌هاشم را به بدترین وضعیت ممکن اقتصادی سوق داد. حضرت خدیجه تمامی سرمایه و ثروت خود را برای تسهیل این محاصره هزینه کرد و مسلمانان نهایت استقامت را از خود نشان دادند. ابوطالب به خاطر حفظ جان پیامبر(ص) و قدرت کم مسلمانان، همه بنی‌هاشم و بنی‌مطلب را در شعب جمع کرد تا هم از خطرات احتمالی جلوگیری شود و هم شرایط محاصره اقتصادی آسان‌تر گردد. در نهایت، این محاصره با استقامت مسلمانان و در زمان مرگ ابوطالب، بزرگ بنی‌هاشم شکسته شد.

### ۲. استقامت در حوزه نظامی:

استقامت رسول گرامی اسلام(ص) در حوزه نظامی، علی‌رغم کمبود امکانات و انجام غزوات بسیاری که در سایه توکل به خدا و صبر و بردباری شکل گرفت، نشانگر اهمیت و نگاه ویژه آن حضرت به مسائل نظامی است.

قریش که بعد از جنگ‌های فراوان به قدرت نظامی پیامبر(ص) پی می‌برد، بزرگترین تصمیم نظامی خود را به امید یکسره کردن کارایشان می‌گیرد و تمامی هم پیمانان خود را برای نبرد با پیامبر(ص) آماده می‌کند. تجمع این گروهها برای جنگ با پیامبر(ص) آن قدر زیاد بود که این نبرده جنگ احزاب نامیده شد. رسول خدا(ص) برای مقابله با دشمن، دستور کندن خندق را دادند که به تعویق افتادن جنگ منجر شد. (طبرسی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۷۳)

استقامت و صبر و بردباری پیامبر(ص) و القای آن به مسلمانان باعث شد تا زمان محاصره به طول بینجامد و فرقه‌ای فراوان در بین دشمنان به وجود آید و علی‌رغم قدرت چشمگیر قریش، مسلمانان در این جنگ به پیروزی برسند. این خود بیانگر آن است که پیامبر اسلام(ص) با حداقل امکانات ولی با استقامت و بردباری توانسته‌اند بر دشمنانی که تا بن دندان مسلح بودند، پیروز شوند.

آن حضرت همواره تلاش می‌کردند تا مسلمانان بر اثر پیروزی‌های به دست آمده دچار غرور نشوند؛ چرا که غرور بی‌جا موجبات تباهی را فراهم خواهد کرد. در جنگ حنین که پس از فتح مکه رخ داد، بر اثر غرور برخی از سپاهیان اسلام و کم‌تجربگی تعداد تازه مسلمان و نیز کمین دشمن، لشکر اسلام وحشت‌زده در آستانه شکست قرار گرفت و به اطراف پراکنده شد و در نتیجه، رسول خدا(ص) و چند تن از یاران وفادارش در معرض حمله دشمن قرار گرفتند که البته با توکل به خدا و شجاعت و دلآوری و جنگ دلیرانه سپاهیان اسلام، جنگ به نفع مسلمانان تغییر کرد. در این جنگ نیز استقامت و تیز بینی پیامبر اعظم(ص) مسلمانان را از یک شکست حتمی نجات داد.

نکته قابل توجه در حوزه استقامت نظامی آن حضرت، استقامت در جهت رعایت اجرای قانون است. رسول گرامی اسلام(ص) به عنوان قانون‌گذار، حافظ و نگهدار قانون، هرگز اجازه نمی‌داد نیروهای تحت امرش نقض قانون کنند؛ چرا که خود در حفظ و اجرای آن همیشه پیشگام بود.

در جنگ بنی‌قریظه پس از چیره شدن سپاه اسلام بر یهودیان و کشتن خیانتکاران و به اسارت گرفتن بقیه، اموال زیادی از آنان به غنیمت مسلمانان درآمد. برخی همسران پیامبر(ص) از آن حضرت خواستند بخشی از آن همه ثروت و طلاهای غنیمت گرفته را به آنها اختصاص دهد؛ اما رسول خدا(ص) تن به خواسته آنان نداد. آیات ۲۸ تا ۳۵ سوره احزاب به همسران پیامبر(ص) هشدار فرمود که اگر خواهان خدا و پیامبر(ص) و سرای آخرتند، باید به زندگی زاهدانه قناعت کنند و تخطی را از پیامبر(ص) مطالبه نکنند. (طوسی، ۱۴۰۹، ج ۸، ص ۳۳۴-۳۳۲)

رسول اکرم(ص) به لشکری از مسلمانان مأموریت جنگی داد و فردی از انصار را به فرماندهی آن برگزید. فرمانده در بین راه بر سر موضوعی بر نیروهای تحت امر خود خشم گرفت و دستور داد هیزم فراوانی جمع کنند و آتش بیفروزند. همین که آتش برافروخته شد، گفت: آیا رسول خدا(ص) از شما نخواست است که به اوامر من گردن نهید؟ گفتند: بلی. گفت: فرمان می‌دهم همه خود را در این آتش بیفکنید. آنان امتناع کردند. وقتی رسول خدا(ص) از این ماجرا اطلاع یافت، بر فرمانده برآشفته و فرمود: اطاعت در موردی است که فرمانده در چارچوب قانون دستور بدخد. (جمعی از نویسندگان، بی‌تا، ص ۸-۴؛ به نقل از: صحیح مسلم، ج ۶، ص ۱۶)

آنچه در سیره نظامی آن حضرت باید به آن توجه ویژه داشت این است که پیامبر اعظم (ص) در دادن مسئولیتهای نظامی به جوانان هرگز تردید نمی‌کرد. رسول گرامی اسلام (ص) در یکی از حساس‌ترین لحظات عمر با برکت خویش، آنگاه که لشگرکشی به سرزمین روم را به خاطر وضعیت جسمی و روحی خود امکان‌پذیر نمی‌دانست، تلاش کرد فردی را با انرژی و مدیریت بالا به فرماندهی برگزیند. از این رو، این مسئولیت مهم را به جوانی ۱۸ ساله (اسامه بن زید) واگذار کرد. در صورتی که در جمع آن لشگر، افرادی با تجربه و مسن‌تر نیز بودند. ولی رسول خدا (ص) با تکیه بر نیروی عظیم جوانی، مسئولیتی به این مهمی را به اسامه بن زید واگذار فرمود.

حضرت رسول (ص) در هر شرایطی سعی می‌کردند عزت و عزت‌مداری خویش و مسلمانان را حفظ کنند. همان عزتی که خداوند بزرگ در قرآن کریم می‌فرماید: "ولله العزه و لرسوله و للمؤمنین" (منافقون، آیه ۸) (عزت از آن خدا و از آن رسول خدا و از آن مؤمنان است).

رسول خدا (ص) عزت خود را در سایه عبودیت و در پرتو لطف الهی می‌دانست و مؤمنان را برای رسیدن به آن ترغیب و تشویق می‌فرمود. عزت‌مداری و عزت‌مندی در تمامی ابعاد زندگی پیامبر اعظم (ص) جریان داشت و از اصول جدا نشدنی و خدشه‌ناپذیرشان به حساب می‌آمد. در دوران مکی و آن زمان که مشرکان برای خاموش کردن مشعل اسلام به هر دری می‌زدند و به هر پیشنهادی از جمله واگذاری ریاست، اموال، دختران زیبارو و ... متوسل می‌شدند تا پیامبر (ص) عزت و عزت‌مداری را به خود وابسته کنند تا از اعتقادات خویش دست بردارد، آن حضرت در برابر همه این پیشنهادها، با بزرگ منشی و عزتمندی استقامت کرد و حتی حاضر نشد یک قدم از اعتقادات خویش عقب نشینی کند.

بعد از تشکیل حکومت اسلامی در مدینه که با شروع تهاجمات سنگین دشمن روبه‌رو بود، علی‌رغم در مضیقه بودن از لحاظ اقتصادی و نظامی، ذره‌ای ضعف و سستی از خود نشان نداد و دست‌نیاز به سوی دشمن دراز نکرد. حتی در یکی از جنگها پیشنهاد کمک گرفتن از گروهی دیگر از مشرکان را با توجه به نیاز مبرم به آنها، به شدت رد کرد.

رسول گرامی اسلام (ص) در هنگام شکست ظاهری از دشمن نیز حاضر نبود مسلمانان در برابر دشمنانشان، احساس ذلت و وابستگی کنند. از این رو، در جنگ احد پس از پیروزی دشمن، در برابر شعار ابوسفیان که با ایجاد جنگ روانی دستور داده بود نیروها فریاد برآورند: "سربلند باد هبل" و با این کار وانمود کنند شکست مسلمانان به خاطر خداپرستی و پیروزی آنها به خاطر بت‌پرستی بوده است، پیامبر (ص) دستور فرمود فریاد برآورند: "خداوند



برتر و بزرگ تر است" و با این تدبیر، اجازه نداد دشمن از موقعیت به وجود آمده سوء استفاده و عزت مسلمانان را خدشه دار کند.

عزت‌مداری در سیره پیامبر اعظم(ص) می‌تواند الگوی مناسبی بر حاکمان حکومت اسلامی در مقابله با دشمنان برای حفظ و اقتدار ملت مسلمان باشد؛ چرا که استکبار جهانی در عصر ما نیز می‌کوشد سیاست وابستگی جهان اسلام را به خود پیاده کند.

ملت ایران پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و در دوران ۸ سال دفاع مقدس، همواره تلاش کردند تا در برابر زورگویی‌ها و قلدر مآبی‌های سردمداران زور و نادانی، از خود استقامت نشان دهند و عزت خویش را با توکل به خداوند قادر حفظ کنند. نتیجه این استقامت، خوار و ذلیل شدن دشمنان در عرصه‌های بین‌المللی و عزت و بزرگ منشی ملت بزرگ ایران در عرصه‌های گوناگون است.

در سیره نظامی آن حضرت به وضوح پیداست که ایشان می‌کوشید تا جنگها با کمترین تلفات جانی و مالی همراه باشد. از این رو، تعرض به غیر نظامیان و ویران ساختن مزارع، نخلستانها و آبادی‌ها را روا نمی‌شمرد و دست رزمندگان پیروز را برای چپاول نمی‌گشود. آنگاه که لشگر اسلام به فرماندهی پیامبر اعظم(ص) بر سر سخت‌ترین دشمنان اسلام که یهودیان خیبر بودند پیروز شدند، اجازه نداد تا مزارع و کشتزارهای آنها را نابود و ویران کنند؛ بلکه دستور داد مزارع و ... در اختیار همانها بماند تا به کشت و درآمد بپردازند و مقداری از آن درآمد را به عنوان "جزیه" به حکومت اسلامی بدهند. با این کار، هم محبت و رأفت اسلامی را به آن نشان داد و هم عزت آنان را به عنوان یک انسان حفظ کرد

### ۳. استقامت در حوزه سیاسی و حکومتی:

پیامبر اعظم(ص) بعد از مبعوث شدن به رسالت، در اندیشه تشکیل حکومت و ساماندهی جامعه بر اساس آموزه‌های الهی برای از بین بردن جهل و نادانی و مقابله با پلیدی و ناهنجاری‌های اجتماعی و تجاوزات دشمنان و ایجاد یک سیستم سیاسی کارآمد برای استقلال و آزادی بود؛ چرا که بر عهده گرفتن زمام امور جامعه می‌تواند علاوه بر هدایت و نجات انسانها، نقش قابل تأملی را در جهت حفظ آیات الهی و آرمانهای جامعه ایفا کند. از این رو، بعد از هجرت، برای تشکیل دولت اسلامی اهتمام ورزید. اگر چه این کار با مخالفتها و تهدیدهای دشمن داخلی و خارجی بسیار همراه بود، ولی استقامت و بردباری و دقت نظر آن حضرت در قبال دشمنان و موقعیت‌شناسی ایشان، باعث شد که نمونه کاملی از حکومت دینی با ویژگی‌های خاص خود را به وجود بیاورند که در ذیل به مواردی از ویژگی‌ها به عنوان شاخصه‌های آموزنده و سازنده خواهیم پرداخت.

استقامت و مدارا با دشمنان:

پیامبر اعظم (ص) برای آنکه بتواند زوایای بسیار زیبای دین را که استقامت، محبت، گذشت و عنایت است، به مردم عصر خود بفهماند، تلاش می‌کردند بیشترین رفتارهای خود را با مدارا همراه کنند تا مردم اصل دین را در جامعه بپذیرند. از این رو، مخالفت، استهزا و تمسخرهای جاهلان آن عصر با استقامت و گذشت نبی مکرم اسلام (ص) همراه می‌شد. در این بین، بیشترین استقامت و مدارای پیامبر (ص) در برابر منافقان مدینه بود؛ چرا که برخورد شدید با آنان خطری جدی علیه حکومت اسلامی به‌شمار می‌آمد. عبد بن ابی رئیس منافقان مدینه بود که به رغم اقدامات و خیانت‌هایش در مرحله گوناگون، پیامبر (ص) علیه او اقدامی نکرد. او در مدینه از جایگاهی برخوردار بود و پیامبر (ص) با او مدارا می‌کرد. پس از غزوه (بنی مصطلق) او گفت: اگر به مدینه برگردیم، پیامبر را از آنجا بیرون می‌کنیم. این خبر به آن حضرت رسید و اصحاب خواستار برخورد شدید با او شدند تا جایی که مسئله قتل او شایع شد. بنابراین، پسرش از پیامبر (ص) خواست که اگر چنین است، خودعامل این حکم باشد تا مبادا او بخواهد قاتل پدرش را بکشد و دستش به خون مسلمانی آغشته شود. اما رسول خدا (ص) در برابر این درخواست اصحاب استقامت کرد و در پاسخ پسرش فرمود: چنین حکمی مطرح نیست. (ابن هشام، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۳۷۲)

۴. استقامت در برابر خواسته‌ها و اندیشه‌های نادرست و پایبندی به صداقت:

امروزه بسیاری از طالبان یا صاحبان قدرت در جوامع مختلف برای به دست آوردن یا حفظ قدرت از هر وسیله‌ای مثل وعده و وعیدهای دروغین، استخدام وسیله‌های نامشروع و ... تا حد امکان استفاده می‌کنند تا پایه‌های حکومت خویش را مستحکم کنند. ولی پیامبر (ص) و رهبران پیرو آن حضرت، در سخت‌ترین و بحرانی‌ترین شرایط، صداقت و راستگویی را از یاد نمی‌برند و همواره تلاش می‌کنند از راه درست و صحیح، آموزه‌های دینی را به مردم برسانند. پیامبر اعظم (ص) در اوایل بعثت نزد قبیله "بنی عامر صعصعه" که از قبایل بزرگ و متنفذ عرب بود رفتند و آنان را به اسلام فرا خواندند. رئیس قبیله به افراد خود گفت: اگر من این جوان را از قریش بگیرم، به دست او بر عرب چیره خواهم شد. در پی این طرح در پاسخ به دعوت پیامبر (ص) گفت: اگر دست بیعت به تو دهیم و در پرتو حمایت ما خدا تو را بر مخالفان چیره سازد، آیا امر حکومت و زمامداری بعد از تو از آن ما خواهد بود؟ پیامبر (ص) فرمود: "ان الامر الی الله نصیحه حیث یشاء"؛ (امر امامت و جانشینی من) به دست خداست، هر جا که بخواهد قرار می‌دهد.

رئیس قبیله با دریافت این پاسخ صریح و قاطع رسول خدا(ص) از رسیدن به هدف خود مأیوس شد و گفت: ما گردنهایمان را برای تو هدف تیرهای عرب قرار دهیم، ولی بعد از پیروزی تو، حکومت از آن دیگری باشد؟ ما هرگز چنین کاری نمی‌کنیم. (ابن هشام، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۶۶).

رسول گرامی اسلامی(ص) هرگز حاضر نشدند در برابر خواسته نامشروع این قبیله سرتعظیم فرود آوردند، بلکه استقامت کردند تا برای به‌دست آوردن رضایت قبیله‌ای، بر اعتقادات راستین خود پا نگذارند. پیامبر اعظم(ص) با این حرکت، نظریه ماکیاولیسم را که مدعی است هدف، وسیله را توجیه می‌کند، رد کرد.

آن حضرت(ص) در برابر اندیشه‌های نادرست برخی از مردمان آن عصر استقامت می‌کردند تا خرافات و غلو در دین جای نگیرد. آن‌گاه که تنها پسر رسول خدا(ص) به نام ابراهیم از "ماریه قبطیه" فوت کرد و اتفاقاً آفتاب در آن روز نیز گرفت، گروهی ساده اندیش و بی‌خبر از قوانین الهی حاکم بر طبیعت، فکر می‌کردند خورشید گرفتگی به‌خاطر حزنی است که بر پیامبر عارض شده است. ولی ایشان در برابر این اندیشه ناصحیح، از خویش استقامت نشان داد و بی‌درنگ بر منبر مسجد تکیه زد و به روشن‌گرایی پرداخت: "خورشید و ماه از نشانه‌های قدرت الهی‌اند و در چارچوب قوانین استوار نظام هستی بر مدار خود می‌چرخند و هرگز برای مرگ و حیات کسی نمی‌گیرند." (برقی، بی‌تا، ص ۳۱۳) ایشان می‌توانستند به عنوان یک رهبر سیاسی نهایت استفاده را از ساده‌اندیشی مردم به نفع خود بنمایند و خود را نزد عموم جامعه محبوب نشان دهند، ولی صداقت و راستگویی آن حضرت، اذهان را روشن و از وارد شدن خرافات در دین جلوگیری کرد.

##### ۵. استقامت در جهت دادن مسئولیت به جوانان:

جوان به عنوان یک عنصر پرتوان و پرانرژی، در اسلام از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا به دلیل داشتن فکر پویا و نو می‌تواند با بهره‌گیری از تجربیات پیشکسوتان، در تنگناها از خود خلاقیت نشان دهد. مدیریت این قشر مهم در ۸ سال دفاع مقدس که در برخی از موارد شبیه به معجزه بود و تلاش در جهت رسیدن به دانش و انرژی صلح آمیز هسته‌ای و سلولهای بنیادین و علوم پزشکی و... نمونه‌های بارز پتانسیل بالای جوانان برومند ایران اسلامی است. باید باور کرد که جوان می‌تواند با توکل به خداوند و همت والای خود معجزه بیافریند. از این رو، اعتماد به اینان و دادن پست‌ها و مسئولیتهای مهم، احترام به باورهای وجودی آزاداندیشان و خیرخواهان جامعه است. این توجه در سیره پیامبر اعظم(ص) به وضوح آشکار است؛ چرا که در نظر ایشان، جوانان از توانمندترین اقشار جامعه محسوب می‌شوند که باید در نظام حکومتی نیز بیشترین نقش را در ابعاد گوناگون ایفا کنند. لذا پیامبر اسلام(ص) با دادن مسئولیتهای مهم به جوانان، زمینه حضور و مشارکت آنان را در حوزه‌های مختلف

فراهم می‌کردند و چه بسا این نوع حرکت‌های پیامبر اعظم(ص) در برخی موارد، بسیار مورد اعتراض صحابه قرار می‌گرفت، ولی ایشان در برابر آنان استقامت می‌کردند.

گماردن جوانی ۲۱ ساله(عتاب بن اسید) پس از فتح مکه به عنوان والی آن شهر، علی‌رغم حضور افراد مسن در بین صحابه که مدعی نیز بودند و عمرو بن جزم ۱۷ ساله به امارات نجران و در نهایت مهم‌تر از همه، واگذاری مسئولیت‌های مهم تبلیغی، سیاسی، مدیریتی و نظامی به علی(ع) در سنین جوانی، خود نشانه‌های بارزی از سیره جوان‌گرایی واقعی آن فرستاده حق است.

#### ۶. مهرورزی:

مهرورزی و عشق و علاقه به مردم را می‌توان یکی از عمده‌ترین دلایل پیروزی پیامبر اعظم(ص) در مدیریت حکومت اسلامی دانست. اگر این شیوه کارآمد در مدیریت آن حضرت به کار نمی‌رفت، هرگز صبر و استقامت در برابر مشکلات و موانع طاقت فرسا امکان پذیر نبود. حضرت رسول(ص) در برابر پرخاشگری و بی‌احترامی دشمنان و جاهلان استقامت پیشه می‌کرد لذا و با مهربانی و عطوفت به آنان سخن می‌گفتند، هرگز افروخته نمی‌شدند و اعتقاد داشتند اگر قرار باشد دین مبین الهی بر گستره جهان استیلا یابد، باید صبر و تحمل و استقامت را سرلوحه امور قرار داد. بی‌شک این رحمت از سوی پروردگار بزرگ در به بار نشستن زحمات رسول گرامی اسلام(ص) نقش تعیین کننده‌ای داشت. در قرآن کریم آمده است: "فما رحمه من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غليظاً القلب لانفضوا من حولك" (آل عمران، آیه ۱۵۹) (به موجب رحمتی که خداوند به تو عنایت کرده بود برای آنان نرم شدی که اگر تندخو و سخت‌دل بودی همه از اطراف تو پراکنده می‌شدند.)

چشم‌پوشی و لطف و محبت رسول گرامی اسلام(ص) مختص به زمانی که آن حضرت دارای یار و یاور معدودی بوده، نمی‌شود؛ بلکه حتی در سال هشتم هجری که پیامبر(ص) با اقتدار و پیروزی کامل به مکه برگشت و افسار حکومتی مکه را نیز به دست گرفت در مورد مشرکان و آنانی که در ۲۰ سال گذشته، بدترین ستمها و جسارتها و دشمنی‌ها را در حق آن حضرت و یارانش کرده و در هاله‌ای از ترس و وحشت به سر می‌برند، شامل می‌شود. هنگامی که رسول خدا(ص) فریاد سعد بن عباده پرچم‌دار خود را شنید که فریاد می‌زد: امروز روز جنگ و خونریزی و اسارت است؛ ناراحت شد و دستور داد پرچم اسلام را از او گیرند و به‌دست حضرت علی(ع) بسپارند، سپس با سخنان آرام‌بخش و ملامت‌آمیز خود، دشمنان دیرینه خویش را آرامش داد. آن حضرت فرمود: شما در مورد من چگونه می‌اندیشید؟ مشرکان گفتند: ما جز نیکی و محبت از تو انتظاری نداریم! ما تو را برادری بزرگوار و فرزند برادر بزرگوار خود می‌دانیم. رسول خدا(ص) فرمود: من آنچه را برادرم یوسف(ع) در مورد برادران ستمگر

خود انجام داد، همان می‌کنم و همانند او می‌گویم: "لاتثريب عليكم اليوم..."؛ (یوسف، آیه ۹۲) (امروز ملامت و سرزنشی بر شما نیست).

وقتی رسول مهربانی و عطوفت، مردم هراسناک را آرام نمود فرمود: امروز روز نبرد و انتقام نیست، بلکه روز رحمت و محبت است و من از تمام جنایات و گناهان شما گذشتم. آنگاه جمله معروفش را به زبان آورد: "اذهبوا فاتم الطلقاء"؛ (به دنبال زندگی‌تان بروید که همه شما آزاد هستید.) (مجلسی، ۱۳۰۳، ج ۲۱، ص ۱۳۲)

حاصل این حرکت پیامبر رحمت و محبت (ص) این بود که به غیر از تعداد معدودی، همگی عشق رسول حق در وجودشان جای گرفت و به اسلام روی آوردند.

#### ۷. استقامت در جهت اجرای عدالت:

آنگاه که رسول گرامی اسلام (ص) در مدینه به قدرت لازم دست پیدا کرد، تمامی سعی و تلاش خود را برای برقراری عدالت و احیای ارزشهای الهی و انسانی متمرکز نمود و به همگان، عدالت‌خواهی و تساوی حقوق انسانها و احترام به حقوق بشر را گوشزد فرمود. آن منادی راستین عدالت و آزادی هنگامی که مشاهده کردند یکی از اصحاب عرب ایشان، سلمان فارسی را به خاطر غیر عرب بودن تحقیر می‌کند، در برابر این حرکت تبعیض آمیز مقاومت کردند و در سخنی حکیمانه فرمودند: "ان الناس من عهد آدم الی یومنا هذا مثل اسنان المشط لافضل للعربی علی العجمی و لا للاحمر علی الاسود الا بالتقوی" (همه مردم از زمان حضرت آدم (ع) تا به امروز همانند دانه‌های شانه مساوی و برابر هستند. عرب و سرخ برتری ندارند. مگر با تقوی.) (نوری، ۱۴۱۱، ج ۱۲، ص ۸۹)

در فتح مکه، زنی از قبیله "بنی مخزوم" مرتکب سرقت شد و از نظر قضایی جرمش محرز گردید. خویشاوندان آن زن که اجرای مجازات را برای قبیله اشرافی خود ننگ می‌شمردند، تلاش فراوانی کردند و فردی را به نام اسامه بن زید که نزد پیامبر (ص) محبوبیت داشت، برای شفاعت نزد آن حضرت فرستادند. ولی رسول اعظم (ص) در برابر این فشارها استقامت و مقاومت کرد و دستور اجرای حکم را صادر فرمود و بعد به ایراد خطبه پرداخت:

"اقوام و ملل پیشین دچار سقوط و انقراض شدند؛ زیرا در اجرای قانون تبعیض روا می‌داشتند. هر گاه یکی از طبقات بالا مرتکب جرم می‌شد او را از مجازات معاف می‌کردند و اگر کسی از زیردستان به جرم مشابه آن مبادرت می‌ورزید، او را مجازات می‌کردند. قسم به خدایی که جانم در دست اوست در اجرای قانون درباره هیچ کس کوتاهی و سستی نمی‌کنم، اگر چه مجرم از نزدیکان من باشد" (نجاری، بی‌تا، ج ۵، ص ۲۶۹) همان‌گونه که

ملاحظه شد پیامبر گرامی اسلامی (ص) در اجرای قوانین هیچ‌گونه تبعیضی روا نمی‌داشته و شفاعت احدی را نمی‌پذیرفته و در برابر فشارها و تهدیدات استقامت می‌ورزیده‌اند.

#### ۸. استقامت در جهت اجرای اصل شایسته سالاری:

معیار انتخاب مدیران و مسئولان از نظر آن حضرت (ص): تقوا، سابقه خوب، تخصص و پایبندی به اصول و ارزشهای دینی بوده و هیچ‌گاه ارتباطات، قوم‌گرایی و خویشاوندی در نزد رسول گرامی اسلام (ص) برای تعیین مسئول جایی نداشته است، حضرت رسول (ص) همواره در برابر پیشنهادهای و اصرار صاحبان نفوذ استقامت می‌کرد. دلیل بر مدعای پیشین آن است که هنگام نزول آیه زکات (توبه، آیه ۶۰)، پیامبر اعظم (ص) سلمان فارسی، بلال حبشی، ابوذر غفاری، عمار عربی را که هر یک از یک منطقه و نژاد بودند انتخاب کردند. چون سهمی برای کسانی که زکات جمع‌آوری می‌کردند داده می‌شد، عده‌ای از بنی‌هاشم نزد رسول خدا (ص) آمدند و از ایشان تقاضا کردند به سبب خویشاوندی، جمع‌آوری زکات را به آنان واگذار کنند؛ ولی حضرت رسول (ص) در برابر درخواست آنان استقامت نمود و فرمود: "صدقه و زکات بر من و بنی‌هاشم حرام است. آیا گمان می‌کنید من دیگران را بر شما ترجیح می‌دهم؟ خیر؛ بلکه من خوبی و صلاح شما را می‌خواهم". (کلینی، ۱۳۷۰، ج ۴، ص ۵۸)

#### ۹. وفاق اجتماعی:

بعد از تشکیل دولت از سوی پیامبر اعظم (ص)، آن حضرت وفاق اجتماعی را به عنوان یک ساز و کار اساسی در بین اصحاب خود معرفی کردند. با اندکی تأمل در حیات سیاسی پیامبر (ص) نمونه‌های فراوانی از این وفاق را می‌توان بیان کرد که در جهت یک دلی و سازگاری مسلمانان، یهودیان و مشرکان یثرب، قرارداد برادری و... خدا (ص) در ساختن مساجد، پیمان عمومی بین مسلمانان، یهودیان و مشرکان یثرب، قرارداد برادری و... نشانه‌های بارز این وفاق است که بر چند اصل راهبردی استوار بود: ایمان به خدای یکتا و اعتقاد به آموزه‌های دینی و قوت بخشیدن به گرایش توحیدی که پیامبر (ص) آن را مهم‌ترین رکن وفاق و اتحاد می‌دانست (جعفریان، ۱۳۷۷، ص ۴۳۶).

پیامبر (ص) بهترین و استوارترین راستی را تنها در گرو مؤمنان می‌دانست و با چنین دیدگاهی، وفاق را در محدوده آنان تلقی می‌کرد. این اصل در سال نهم هجری و در اوج اقتدار دولت اسلامی و با الهام از آیه "انما المومنون اخوه" (حجرات، آیه ۱۰) نهادینه شد؛ آیه‌ای که تمامی مؤمنان را بایکدیگر برادر می‌داند.

سازگاری با غیر مسلمان به عنوان یک تاکتیک و در جهت پیشبرد منافع اسلام وجود داشته است و چنین وفاقی عاری از امتیازدهی یک سویه بوده و برتری اسلام و مسلمانان در آن لحاظ شده است. (فصلنامه فرهنگ کوثر، ۱۳۸۱، ۵۰، ص ۱۲۷).

صبر و استقامت و تحمل دشواری‌ها در راه خداوند یکی از صفات برجسته پیامبران اولوالعزم بوده است و پیامبرگرامی اسلام (ص) هم مأموریت داشته است تا آن را پیشه خود کند. در قرآن کریم آمده است: "فاصبر كما صبر اولوالعزم من الرسل"; (احقاف، آیه ۳۵). (پس همان گونه که پیامبران اولوالعزم صبر کردند صبر کن).

پیامبر اعظم (ص) مأموریت داشته که بشریت را از ظلمات شهوت و جهالت و استبداد و پرستش بتها و تعصبات نژادی و طبقاتی رهایی بخشد و مقیاسهای دروغینی را که قرن‌ها وسیله سنجش عادات و اخلاق شناخته شده و زشتی‌ها را در نظر مردم زیبا می‌نمود، بر هم زند و مقیاس راستین نیکی را جایگزین آن کند که این جز در سایه صبر و استقامت امکان‌پذیر نیست. از آنجایی که رسول خدا (ص) هم در برابر بداندیشی و نابکاری دشمنان داخلی و خارجی پایداری کردند و هم در مقابل کج فهمی نزدیکان، دوران ۲۳ سال رسالت آن حضرت یکسره درس استقامت و پایداری است. تکذیب، تهدید، تمسخر و اذیت و آزار، محاصره اقتصادی، تحمیل جنگهای فراوان بر دولت نوپای اسلامی، اخلال در امور، ایجاد اختلاف بین مسلمین و کارشکنی منافقان و... مشکلاتی بود که بر سینه آن حضرت سنگینی می‌کرد، اما او با سلاح ایمان و توکل به خدا استقامت کردند و هرگز اجازه ندادند این مشکلات، استقامت و بردباری ایشان را از بین ببرد. رهبر فرزانه انقلاب می‌فرماید: "می‌دانید نبی اعظم اسلام (ص) مسلمانها را ... از چه گذرگاههای لغزنده و دشواری عبور داد و به آن قله‌ها رساند؟ یک چنین حرکت عظیمی کار هیچ انسانی نبود. آن مردمی که هیچ نمی‌فهمیدند و از اخلاق انسانی هیچ بویی نبرده بودند، پیغمبر (ص) اینها را به انسانهایی تبدیل کرد که فرشتگان الهی در مقابل عظمت و نورانیت آنها احساس حقارت می‌کردند. استقامت این است. امروز ما احتیاج به استقامت داریم... استقامت کردن در مقابل فریبها و تهدیدهای دشمن، هنر بزرگی است که اگر یک ملت این هنر را داشته باشد، آن وقت به قله می‌رسد. به جایی که دیگر دشمن فایده‌ای در تهدید نمی‌بیند و مجبور است با او بسازد و یا در مقابل او تسلیم شود". (در دیدار عمومی بسیجیان، ۸۵/۱/۶)

با نگاهی گذرا به حیات پیامبر اعظم (ص) در حوزه‌های مختلف، به وضوح می‌توان دریافت که استقامت و بردباری در برابر موانع موجود آن زمان و نوع برخورد کریمانه آن حضرت (ص) به همراه عزت نفس و ساده زیستی و پاک و عاری بودن از هر نوع تجملات، مهرو محبت ورزیدن به مردمان عصر خود، نشانه‌های بارزی از مدیریت صحیح در حوزه‌های گوناگون دین مبین اسلام است. باید در نگاه اول شاخصه‌های زندگانی پیامبر اعظم (ص) را

در خود نهادینه کرده، بعد برای اجرایی شدن آن در جامعه تلاش کنند تا در برابر مشکلات ایستادگی و ملت را برای رسیدن به حقوق حق خود یاری نمایند. این امر میسر نخواهد شد مگر با تاسی و پیروی از سیره پیامبر گرامی اسلام (ص) که منشور زندگی واقعی است.

## دوم. استقامت حضرت زهرا سلام الله علیها:

ابعاد مختلف استقامت حضرت زهرا عبارتند از:

### ۱. اقناع اندیشه:

مقاومت در مسیر حق، یکی از ویژگی‌های انسان مؤمن و متقی است، همان‌گونه که در قرآن کریم به آن اشاره شده است.

«إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ» (فصلت، آیه ۳۰)

در حقیقت، کسانی که گفتند: «پروردگار ما خداست» سپس ایستادگی کردند، فرشتگان بر آنان فرود می‌آیند (و می‌گویند) «هان، بیم مدارید و غمین مباشید، و به بهشتی که وعده یافته بودید شاد باشید.»

و پر واضح است که ماندن در مسیر حق و صراط مستقیم که به معنای تبعیت کامل از امام معصوم است، مشکل‌تر از یافتن آن می‌باشد تا آنجا که در ذیل آیه شریفه و «أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا وَارِدًا» (البقره، آیه ۱۶)

يَعْنِي لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى وَلايَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ (عليهم السلام) وَ قَبِلُوا طَاعَتَهُمْ فِي أَمْرِهِمْ وَ نَهَيْتَهُمْ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا يَقُولُ لَأَشْرِبُنَا قُلُوبُهُمُ الْإِيمَانَ وَ الطَّرِيقَهُ هِيَ الْإِيمَانُ بِوَلايَةِ عَلِيِّ وَ الْأَوْصِيَاءِ (محمد بن يعقوب الكليني، الكافي (ط - الإسلامية)

همان‌گونه که در این روایت شریفه مطرح گردیده است اعطاء ایمان از جانب خداوند و منور شدن قلب انسان به نور ایمان متوقف بر استقامت بر صراط حق که ولایت امیرمؤمنان علی علیه السلام است می‌باشد. لذا تنها راه رسیدن به درجات کمال و پیمودن مسیر تعالی انسان، استقامت و صبوری نمودن در مسیر حق و تبعیت از امام زمان است.



حضرت زهرا (سلام الله علیها) با استقامتی بی نظیر در راه دفاع از مسیر پر نور ولایت، الگویی کامل را در تبعیت از امام زمان و استقامت در مسیر حق به همگان ارائه نمودند و در عمل به همگان آموختند که در مسیر عمل به دین خدا و آیات قرآن، در صورت لزوم حتی زندگی انسان نیز باید فدا گردد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) همچنین با استقامت خویش در برابر انحرافات، به تمام مسلمین در پهنه تاریخ یاد دادند که نپذیرفتن ظلم و انحراف و مقابله با جریان‌های انحرافی وظیفه واجب یک مسلمان است و این وظیفه را خداوند بر عهده انسان گذاشته است. قرآن کریم با صدای رسا این تکلیف را اعلام می‌دارد و می‌فرماید:

«وَلَا تَرْكُنُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ» (هود، آیه ۱۱۳)

و به کسانی که ستم کرده‌اند متمایل مشوید که آتش (دوزخ) به شما می‌رسد، و در برابر خدا برای شما دوستانی نخواهد بود، و سرانجام یاری نخواهید شد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) در مدت کوتاه عمر خویش نشان دادند که در عمل باید به این مسئولیت الهی پاسخ گفت و به همین دلیل اقدامات ابتکاری متعددی برای رسوا نمودن جریان نفاق انجام دادند تا علاوه بر انجام تکلیف الهی خویش به مؤمنین نیز چگونگی بدست گرفتن ابتکار عمل و انواع اقداماتی که در این جهت می‌توان انجام داد را نشان بدهند.

یکی از این اقدامات که حضرت زهرا (سلام الله علیها) برای بیداری جامعه اسلامی انجام داده و بر آن استقامت بسیار کردند گریه بر مصیبت پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و مظلومیت حضرت علی (علیه السلام) بود. این اقدام در زمینه نشان دادن مظلومیت حق و یادآوری بیعتی بود که خداوند و پیامبر از مردم گرفته بودند. روی دیگر این فریاد مظلومیت، نشان دادن ظلم بزرگی بود که منافقین بر دین حق و ولی خدا روا داشته بودند. این حرکت باعث افشا شدن ماهیت منافقین می‌گردید و ظالم بودن آنها را نشان می‌داد و در نتیجه این کار، امکان ایجاد یک جریان برای مقابله با ظلم ظالمین بر پایه فطرت ظلم ناپذیر انسان فراهم آمد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) تا حدی در این کار مؤثر، استقامت ورزیدند که سران خود فروخته و سست قبایل و منافقین احساس خطر نموده و تلاش خود را در مقابله با این حرکت به کار بستند و در ابتدا با بهانه‌های واهی سعی در خاموش کردن حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نمودند و زمانی که با مقاومت آن حضرت مواجه شدند حتی درختی را که آن حضرت در زیر آن گریه می‌کرد بریدند، ولی باز هم آن بانوی مظلومه به گریه خویش ادامه

داد، تا آنکه حضرت علی (علیه السلام) اتاقدکی را برای آن حضرت در خارج بقیع بنا کرد (انصاری زنجانی خوئینی، اسماعیل، ۱۳۱۲ - ۱۳۸۸).

گرچه آنها تلاش کردند تا اثر این اقدام را کم کنند و باعث شدند که حضرت زهرا (سلام الله علیها) به ناچار برای گریه به خارج شهر برود ولی تأثیر این اقدام نه تنها کم نشد بلکه در پهنه تاریخ نیز تأثیر این حرکت حضرت باقی ماند و تاریخ این سوال را مطرح نمود که چرا نام حضرت زهرا (سلام الله علیها) در کنار آدم ابوالبشر که صد سال گریه کرد (ابن بابویه، محمد بن علی، ۳۱۱ - ۳۸۱ ق.) و یعقوب نبی که قرآن در مورد گریه او می‌فرماید: «وَ اَبْيَضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ» (سوره یوسف، آیه ۸۴) و نیز در کنار امام سجاد (علیه السلام) که چهل سال بر مصیبت پدر بزرگوارش گریه کرد، (جعفر بن محمد قولویه، کامل الزیارات) جزء بکائین ثبت شده است؟

حضرت زهرا (سلام الله علیها) اقدامات متعدد دیگری نیز انجام دادند از جمله اینکه با خطبه‌ها و سخنان خویش درباره غصب خلافت (خطبه فدکیه، الاختصاص، المفید) به صورت مستقیم و با محکوم کردن دشمن به خاطر غصب فدک (خطبه فدکیه، الاختصاص، المفید) به صورت غیر مستقیم سعی در رسوا نمودن منافقین داشتند. آن حضرت در خطبه‌ای که به خطبه فدکیه معروف شده است با غاصب نشان دادن خلیفه و اثبات عدم کفایت او به همگان اثبات می‌کنند که او لیاقت خلافت بر مسلمین را ندارد. آن حضرت می‌فرماید:

يَا اَبَا بَكْرٍ ادْعَيْتَ اَنَّكَ خَلِيفَةُ اَبِي وَ جَلَسْتَ مَجْلِسَهُ وَ اَنَّكَ بَعَثْتَ اِلَيَّ وَ كَيْلِي فَاَخْرَجْتَهُ مِنْ فَدَكٍ وَ قَدْ تَعْلَمُ اَنَّ رَسُوْلَ اللّٰهِ (صلى الله عليه و آله) صَدَّقَ بِهَا عَلِيٌّ

ای ابابکر ادعا می‌کنی که جانشین پدر من هستی و در جای او نشسته‌ای در حالی که کسی را به سوی وکیل من فرستادی و وکیل مرا را از فدک اخراج کردی در حالی که تو می‌دانی که رسول خدا فدک را به من بخشیده است.

این گوشه‌ای از اقدامات آن مدافع حریم ولایت است که در تاریخ ثبت گردیده است.

و این‌گونه نتیجه مقاومت حضرت زهرا (سلام الله علیها) و موفقیت آن حضرت در تاریخ ثبت گردید و ما به عنوان شیعیان آن بانوی یگانه اسلام درس استقامت تا پای جان در برابر باطل و انحراف را آموختیم و انقلابی از جنس انقلاب فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را برپا نمودیم. آری! ما از فاطمه (سلام الله علیها) مقاومت در برابر قدرت‌های ظالم عالم و منافقین و منحرفین را به عنوان وظیفه دینی یاد گرفتیم و ادامه این مسیر پر نور را با الهام گرفتن از زندگانی دختر پیامبرمان با تمام توان و با به کار گرفتن تمام ظرفیت‌ها ادامه خواهیم داد.

## ۲. پرورش احساس:

حضرت زهرا (سلام الله علیها) مبارزات خویش را حتی در بستر بیماری نیز ادامه می‌دادند. از همین رو زمانی که عایشه دختر طلحه به عیادت آن حضرت رفت، ایشان را گریان دید؛ لذا گفت: «بِأَبِي أَنْتِ وَ أُمِّي، مَا أَلْدِي يُنْكِيكِ»

پدر و مادرم به فدای تو، چه چیزی تو را گریان نموده است؟ حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمودند: ای عایشه! آیا از رویداد تلخ و فاجعه‌باری می‌پرسی که گزارش تکان‌دهنده‌ی آن همه جا پراکنده شده و بال‌های پرندگان بر اثر آن فروریخته و رهروان به خاطر آن از راه بازمانده‌اند؟ این رویداد غم‌باری بود که خدا آن را به آسمان بالا برد و من در زمین به اندوه و آزمایش آن گرفتار شدم.

واقعیت این است که پست‌ترین شخص قبیله تیم و خبیث‌ترین شخص قبیله عدی پاداش پشیمانی و پیشگامی امیرمؤمنان در میدان‌های دانش و ایمان و عمل و جهاد قهرمانانه را به وی دادند. آنها تا جایی که توانستند کینه و دشمنی او را در دل نهان داشتند و از آشکار ساختن آن جلوگیری نمودند، اما هنگامی که نورافشانی دین کم‌سو شد و پیامبر امین جهان را بدرود گفت، آن دو به سرعت کینه‌های کور را آشکار ساخته و به شدت در کوره بداندیشی و تجاوز دمیدند و فدک را مصادره کردند.

حقیقت این است که فدک، بخشش پروردگار بلند مرتبه به آن شایسته‌ترین مناجات‌کننده با او یعنی پیامبر بود و آن حضرت آن را به من بخشید تا تأمین‌کننده هزینه زندگی فرزندان او و نسل من باشد و این بخشش با علم خدا و به گواهی امین وحی انجام شد.

پس اگر آن دو نفر فدک را از من گرفتند و مرا از درآمد ناچیز آن بازداشتند، من آن را در روز رستاخیز مایه تقرب به خدا قرار داده و به حساب او خواهم آورد و خورندگان و برندگان تجاوزکار فدک، آن را به زبانه‌های شعله‌ور و سوزان آتش سهمگین دوزخ خواهند یافت. (محمد بن الحسن طوسی، الأمالی،)

و این‌گونه حضرت زهرا (سلام الله علیها) منافقین و غاصبین را رسوا می‌نمود تا همه عالم بدانند که این مسیر به غضب الهی و دوزخ منتهی می‌گردد.

استقامت و پایداری در سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت زهرا (سلام الله علیها)

### ۳. رفتار سازی:

ایستادن و استقامت در برابر ظلم، وظیفه هر انسان مؤمنی است؛ همان گونه که خود پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرموده‌اند:

«يَا عَلِيُّ إِنَّ اللَّهَ [تَبَارَكَ وَ] تَعَالَى وَهَبَ لَكَ حُبَّ الْمَسَاكِينِ وَ الْمُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ فَرَضِيَتْ بِهِمْ إِخْوَانًا وَ رَضُوا بِكَ إِمَامًا - إِلَى أَنْ قَالَ - وَ شِيعَتُكَ عَلَى مِنْهَاجِ الْحَقِّ وَ الْإِسْتِقَامَةِ لَا يَسْتَوْحِشُونَ إِلَيَّ مَنْ خَالَفَهُمْ.» (فرات بن ابراهیم کوفی، تفسیر فرات الکوفی)

حضرت زهرا (سلام الله علیها) که بهترین زنان عالم است، نیز این استقامت را در رفتار و گفتار به خوبی به ما تعلیم داده‌اند. آن بانوی باعظمت برای حفظ اسلام ناب، پس از مبارزات فراوان و خطبه‌های متعدد و مفتضح کردن غاصبین خلافت و منافقین، دست به اقدامی شگرف زد تا این مبارزه و مقاومت در مقابل ظلم در تاریخ ثبت شود و هیچ کس نتواند فریاد آن بضعه رسول را خاموش کرده و یا نادیده بگیرد.

این اقدام حضرت زهرا (سلام الله علیها) وصیتی بود که ایشان به امیرالمؤمنین (علیه السلام) نمودند و فرمودند:

مبادا احدی از این گروهی که در حق من ظلم روا داشتند و حق مرا غصب کردند، برای تشییع جنازه‌ام حاضر شوند!! زیرا ایشان دشمن من و دشمن رسول خدا می‌باشند. مبادا بگذاری احدی از آنان و پیروانشان به جنازه‌ام نماز بخوانند!! مرا شبانه در آن هنگام که چشم‌ها همه به خواب رفته باشند، دفن کن. (محمد روحانی علی آبادی، زندگانی حضرت زهرا علیها السلام، ترجمه بحار الأنوار)

این کار حضرت در عمل باعث ایجاد یک سوال بزرگ برای مسلمانان در تاریخ شده است که چرا تشییع و دفن حضرت زهرا (سلام الله علیها) شبانه و مخفیانه اتفاق افتاد. این حرکت در ادامه‌ی مقاومت در برابر جبهه انحراف و باطل بود که تا همین امروز نیز ادامه دارد و به هر وجدان آگاه و فطرت سالم انحراف منحرفین را نشان می‌دهد.

اقدام بعدی آن حضرت، اختفاء قبر ایشان است که این سوال را در ذهن ایجاد می‌نماید که چرا مزار پاره تن رسول خاتم آشکار نیست؟ مگر چه اتفاقی افتاده است که قبر سرور زنان بهشت مخفی است؟

این دو اقدام حضرت زهرا (سلام الله علیها) حتی در همان زمان هم اثر خود را گذاشت، چنانچه در تاریخ آمده:

استقامت و پایداری در سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت زهرا (سلام الله علیها)

«فَضَحَّ النَّاسُ وَ لَامَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا، وَ قَالُوا: لَمْ يُخَلَّفْ نَبِيُّكُمْ فِيكُمْ إِلَّا بِنْتًا وَاحِدَةً، تَمُوتُ وَ تُدْفَنُ وَ لَمْ تَخْضُرُوا وَفَاتَهَا وَ لَا دَفَنَهَا وَ لَا الصَّلَاةَ عَلَيْهَا! بَلْ وَ لَمْ تَعْرِفُوا قَبْرَهَا! (محمد بن جریر بن رستم طبری املی، دلائل الإمامة ط) -  
الحديثه)

این دو اقدام حضرت زهرا (سلام الله علیها) آن قدر بر مردم زمان ایشان گران آمد که به دستور دومی شروع به  
نیش قبور ساخته شده کردند تا قبر صدیقه طاهره را پیدا نموده و بر آن نماز بخوانند و آن را دفن کنند، ولی  
امیرالمؤمنین (علیه السلام) مانع این کار شدند.

استقامت و پایداری در سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت زهرا (سلام الله علیها)



## نتیجه :

اگر مبارزات سیاسی فاطمه زهرا علیهاالسلام در دفاع از حریم امامت و ولایت نبودند جریان امامت در همان «سقیفه بنی ساعده» خاتمه می یافت. اما خداوند اراده کرده بود که ریحانه نبی و همسر ولایت بار سنگین مبارزات سیاسی را در مدت کوتاهی بر دوش بگیرد و جامعه خفته را بیدار سازد و همچون پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله رسالت را به امامت متصل سازد و وجود آن حضرت، تجلی بخش امامت بود.

دفاع فاطمه زهرا علیهاالسلام از حریم امامت و ولایت بود که توانست از قتل حضرت علی علیه السلام جلوگیری کند و تا حدی جو متشنج سیاسی آن روز مدینه را کنترل نماید و حقانیت حضرت علی علیه السلام را به مرور زمان ثابت کند تا در سال های بعد، با بیعت مردم با حضرت علی علیه السلام مسیر امامت تداوم یابد و فرزندان آن حضرت ادامه دهنده خط مشی سیاسی و مبارزاتی مادر نمونه شان باشند. همو بود که دختری همچون زینب علیهاالسلام را در کانون تربیتی خویش پرورش داد تا در کربلا ادامه دهنده و پیامبر خون امام حسین علیه السلام باشد.

مبارزات سیاسی حضرت زهرا علیهاالسلام نشان دادند که یک زن، که عنصر پیونددهنده بین رسالت و امامت است، چگونه می تواند با جثه ضعیف خود و روح عظیم الهی خویش، بار سنگین مبارزه را بر دوش کشد و با جان و مال خود تا آخرین نفس، خط الهی را دنبال کند و فریب سیاست پیشگان زر و زور و تزویر را نخورد و نشان دهد که در سخت ترین عرصه های سیاسی و اجتماعی جامعه، که حتی مردان رزم دیده و مقاوم هم دچار تزلزل می شوند، یک زن ایستا و مقاوم می تواند در مقام دفاع از حق و ولایت بایستد و رسالت خویش را جانانه به ثمر برساند.

حضور سیاسی فاطمه زهرا علیهاالسلام نشان داد که یک زن با آگاهی و اتخاذ شیوه های سیاسی مدبرانه می تواند در صحنه های گوناگون جامعه به مبارزه بپردازد. این حضور نه تنها تفکر «عدم حضور زن در اجتماع» را نفی می کند، بلکه انحصار حضور مردان در عرصه های سیاسی را به نقادی می کشاند و بر آن مهر ابطال می زند.

راضیه مرضیه علیهاالسلام با زندگی و مبارزه خود، در عرصه های گوناگون اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، عبادی، خانه داری، همسرداری، تربیت فرزند و بخصوص در صحنه های گوناگون سیاسی، نشان داد که یک زن می تواند با حفظ حریم عفت و ارزش های انسانی، در تمامی عرصه های جامعه حضور داشته باشد و اسلام چنین می خواهد که زن نیز همچون مرد، در تمام عرصه های جامعه عنصری فعال و پویا باشد و با پیروزی انقلاب

اسلامی، این تحوّل و نگرش نسبت به زن در جامعه ایجاد شد و بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی رحمه الله ، و مقام معظم رهبری، حضرت آیة الله خامنه ای، نیز در سخنان خود بر این امر تأکید داشته و صحّه گذاشته اند.

دختر گرامی پیامبر صلی الله علیه و آله و انسیه حورا، حضرت فاطمه علیها السلام ، با اخلاق و رفتار و کارنامه عملی و فکری خویش، مکتبی را برای زنان پایه گذاری کرد که زمزم تکامل و تعالی و چشمه سار والای کرامت انسانی است، که زنان امروز نیز با تأسی به این اسوه و الگوی برتر، می توانند به گسترش ارزش های دینی بپردازند و با ایجاد حسّ مسؤلیت پذیری، خودسازی، روحیه شهادت طلبی، دفاع، انفاق و ایثار و استقامت و پایداری و صبر، تلاش کنند تا در جهان امروز، به جایگاه حقیقی خویش دست یابند و بدین وسیله، با بازبینی سنّت های جاهلی و احقاق حقوق الهی و شرعی و تکیه بر هویت اسلامی، با حفظ حجاب به عنوان نماد استقامت و پایداری، مسیر فاطمی را ادامه دهند. بی سبب نیست که یوسف زهرا علیها السلام الگوی تمام عیار خویش را در زمان ظهور این گونه معرفی می کند:

(فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة)؛ در دختر رسول خدا، فاطمه زهرا علیها السلام برای من، اسوه ای نیکو و شایسته است.



## منابع:

### القرآن الکریم

۱. ابن هشام، عبدالملک بن هشام (۱۳۶۰)، سیره النبویه، تهران، خوارزمی.
۲. امام خمینی (۱۳۶۱)؛ صحیفه نور، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳. برقی، احمد بن محمد (بی تا)؛ المحاسن، بی جا، دارالکتب الاسلامیه.
۴. بلاغی، صدرالدین (۱۳۵۹)؛ پیامبر رحمت، تهران، حسینیه ارشاد.
۵. جعفریان، رسول (۱۳۷۷)؛ سیره رسول خدا، قم، دفتر نشر الهادی.
۶. جمعی از نویسندگان (بی تا)؛ محمد خاتم پیامبر، تهران، حسینیه ارشاد.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۲)؛ لغت نامه دهخدا، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
۸. طبرسی، حسن بن فضل (ق ۱۴۲۰)؛ مکارم الاخلاق، قم، دارالکتب الاسلامی.
۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)؛ تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاییند، تهران، انتشارات اساطیر.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن (ق ۱۴۰۹)؛ فی تفسیر القرآن، [بی جا]، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب (ق ۱۳۷۰)؛ اصول کافی، تهران، اسوه.
۱۲. مجلسی، محمد باقر (ق ۱۳۰۳)؛ بحار الانوار، لبنان، دارالحیاء التراث العربی.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)؛ وحی و نبوت، قم، انتشارات صدرا.
۱۴. نوری، میرزا حسین (ق ۱۴۱۱)؛ مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البيت (علیهم السلام).

استقامت و پایداری در سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و حضرت زهرا (سلام الله علیها)





